

معماری و شهرسازی دوره ساسانی در استان فارس (مطالعه موردی چهار ایالت فارس: اردشیرخوره، دارابگرد، بیشاپور و استخر)

هومان محمدی شرفآباد^۱
فرناز افتخار جهرمی^۲

چکیده

عصر ساسانی (۶۵۱-۲۲۴ م) یکی از پررونق‌ترین و طلایی‌ترین دوره‌های فرهنگ، هنر و معماری در تاریخ ایران است که آثار معماری و شهرسازی آن با گذر بیش از ۱۵۰۰ سال در گوشه و کنار این سرزمین مشاهده می‌شود. تعداد آثار تاریخی به جای مانده از این دوره نسبت به دوره‌های پیشین نشان از پیشرفت فعالیت‌های عمرانی مانند ایجاد شهرها، قلعه‌ها، پل‌ها و سدها دارد. در این پژوهش سعی شده تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی شهرهای ساسانی استان فارس بر اساس شکل هندسی، نوع معماری و شهرسازی دسته‌بندی شوند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آنچه در خصوص این شهرها اهمیت داشته، هندسه منظمی بوده که حکایت از طراحی، برنامه‌ریزی و نقشه‌های دقیق برای ساخت این شهرها دارد. شهرهای اردشیرخوره و دارابگرد به عنوان شهرهای مدور، شهر بیشاپور به عنوان شهر مستطیل شکل، و شهر استخر به عنوان شهر نامنظم معرفی، تقسیم‌بندی و بررسی شده‌اند.

کلید واژگان: ساسانیان، فارس، شهرسازی، معماری.

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، سرپرست بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان کهگیلویه و بویراحمد. h_mohammadi86@yahoo.com
۲. کارشناسی‌ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان. farnaz.eftekhar@gmail.com

مقدمه

حکومت ۴۲۵ ساله ساسانیان (۶۵۲-۲۲۶ م) پس از شاهنشاهی هخامنشی یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی ایران است. این دودمان خود را زاده خدایان و منسوب به شاهان هخامنشی خوانده‌اند، افزون بر آن، شکوه، عظمت و وسعت دیرین ایران را به دنبال کوشش‌های پانصد ساله سلاطین پارت بدست آورده‌اند. عامل مذهب در پیدایش و شکل بخشیدن به شهرها از دیرباز اهمیت داشته؛ پایه‌گذاری شهرها در کنار چشمه‌ها، دامنه کوه مقدس یا در محل درگذشت یک شخصیت ممتاز مذهبی یا سیاسی نیز از جمله عوامل مؤثر دیگر است. مسئله مذهب را نیز به خصوص در مورد شهرهای باستان نباید نادیده نگرفت، زیرا بنیان‌گذاری عمده شهرهای کهن به اعتبار امر مقدس و در پیوند با آیین مورد قبول جامعه بوده است. شهر به مثابه شکل تعیین یافته روابط اجتماعی و مناسبات انسانی، از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ و باستان‌شناسی برخوردار است. این اهمیت به اندازه‌ای است که تأسیس نخستین شهرها و تشکیل نخستین نهادهای شهری، به عنوان نقطه عطفی در فرآیند تحول و تطور جوامع انسانی تلقی می‌شود. شهرهای ساسانی شکل تکامل یافته شهر و شهرنشینی را در آخرین سده‌های دوران باستان به نمایش می‌گذارند.

شهرسازی در زمان ساسانیان در راستای اقدامات اردشیر و دیگر شاهان ساسانی تأسیس و نیاز به شهرها در آغاز دوره ساسانی نقش مهمی را در اداره دولت مرکزی ایفا می‌کرد. پادشاهان ساسانی شهر را به عنوان مرکزیت قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی در رهبری کشور تبدیل کرد و به خصوص با اسکان اجباری گروه‌های مردم حرفه‌ای و متخصص در شهرهای جدید رشد صنعت و کشاورزی در قلمرو پهناور ایران تضمین شد. در دوران ساسانیان با توجه به اهمیت شهر، شهرسازی توسعه پیدا کرد که شهرهای باقی مانده از آن دوران مؤید این نکته است.

پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه این پژوهش تعدادی مقاله و رساله موجود است. مقاله‌ای با عنوان «بازتاب ساسانیان در متن‌های فارسی میانه» از مرضیه بهزادی و دیگران که در آن به شهرسازی ساسانیان و توسعه شهرها در این دوره و بازتاب آنها در متون میانه پرداخته، در همایش ملی معماری و شهرسازی ایران به چاپ رسیده است. این مقاله کمتر به نوع معماری و شهرسازی و کاربرد اشکال هندسی در ساخت شهرهای استان فارس پرداخته است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علیرضا خسروزاده با عنوان «شهرسازی دوره ساسانی» به طرح‌ها و ایده‌های معماری در شهرهای دوره

ساسانی با رویکرد سیاسی به ساخت شهرها پرداخته است. همچنین پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمد طهماسبی برنا، با موضوع «شهرسازی دوره ساسانی» به شهرسازی و معماری ایران عصر ساسانی پرداخته و گذری نیز بر شهرها و بناهای استان فارس در عصر ساسانی داشته است. در میان تمام پژوهش‌های صورت گرفته، پژوهشی تخصصی درباره معماری، شهرسازی و یا بناهای استان فارس در عصر ساسانی موجود نیست.

۱. ویژگی معماری ساسانی

معماری ساسانی، دنباله معماری هخامنشی و اشکانی است و هنرمندان در این دوره کوشش نموده‌اند تا اصالت معماری ایرانی را حفظ نمایند (خسروزاده، ۱۳۷۷: ۳۱). در دوره ساسانیان مکتب جدیدی در معماری ایران به وجود آمد که نه تنها سبک معماری ساسانیان ایران را تشکیل داد بلکه بر معماری ایران پس از اسلام نیز تأثیرگذار بود. احداث پوشش گنبدی با آجر و پایه‌های سنگی و ستون‌هایی از سنگ و گچ و اغلب متصل به دیوار، طاق‌های آجری گنبدی فراز چهار ضلعی و ایجاد تالارهای بزرگ از مشخصات معماری ساسانیان است (انصاری، ۱۳۵۰: ۱۲۲). هنر ساسانیان بی‌تردید تحت تأثیر هنر روم و غرب قرار داشته اما بیشتر پیرو معماری پارتی و در نهایت سنت‌های معماری ایرانی است (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۳: ۱۲۴). از تفاوت‌های میان معماری هخامنشی و ساسانیان می‌توان در تفاوت سقف مسطح و گنبددار و تمایل ساسانیان به حجم‌های قوی و نشان دادن تضاد بین سایه و روشن، در بناها اشاره کرد (انصاری، ۱۳۵۰: ۱۲۱). از ویژگی‌های دیگر معماری ساسانی می‌توان به طاق و قوس‌ها، گنبد، ایوان، مصالح و تزیینات اشاره کرد. طاق از صفت‌های بارز معماری ساسانی و ساختن سقف صاف با استفاده از تیر نیز در معماری مذهبی و درباری آن روزگار رواج داشته است. طاق‌های آجری نیاز کاخ را به ستون‌های زیاد از بین برد. طاق‌ها در انواع متفاوتی مانند گهواره‌ای، که در ایوان فیروزآباد دیده می‌شود، طاق‌های نیزه‌ای و غیره بوده‌اند (خسروزاده، ۱۳۷۷: ۳۴). در مورد گنبد، در معماری ساسانی یک تحول در امر ساختمانی مشاهده می‌شود که آن قرار دادن گنبد بر روی تالار چهارگوش برای گنبدسازی و سرپوشیده کردن بنا است. مانند ایوان، گنبد بارزترین عنصر معماری ایران است (کیانی، ۱۳۶۶: ۸۵). گنبدخانه مربع برای نخستین بار به عنوان جزئی پیوسته از یک بنای عظیم در معماری ایرانی در فیروزآباد استفاده شده است و در زمان پارت‌ها برای پوشش تالارهای مربع از طاق به جای گنبد استفاده می‌کردند (کیانی، ۱۳۶۶: ۳۳). ایوان یک تالار طاقدار است که از همه جهت محصور و از جهت چهارم به بیرون

باز می‌شود و نخستین بار در زمان پارتیان معمول شده است. ایوان با طاق گهواره‌ای که در زمان پارتیان ابداع شد، در زمان ساسانیان دوباره رواج یافت. ایوان در دوره ساسانی در فرم‌های متعددی در بناها به کار رفته است (کیانی، ۱۳۶۶: ۳۵). در این دوره استفاده از گچ و شیوه طاق‌زنی وابسته به آن مشخص می‌شود. استفاده از دیوارهای باربر از سنگ لاشه از ویژگی‌های معماری ساسانی است (کیانی، ۱۳۶۶: ۳۶). دوره ساسانی نقطه عطفی در معماری سنگی است که شهرها و قلعه‌های باقیمانده از این دوره مبین این مسئله هستند. فضاسازی در معماری ساسانی با استفاده از سنگ‌های قالبی حجاری شده و نیز لاشه سنگ به طور مجزا صورت گرفته است. کاخ‌های ساسانی اغلب با سنگ و گچ ساخته شده اما آنها را با گچبری، موزاییک، نقاشی و ایجاد نقوش برجسته جلوه و زینت داده‌اند. آرتور پوپ^۱ مورخ مشهور آمریکایی در مورد معماری ساسانی می‌گوید هر چند استفاده از سنگ در بناها مانند معماری هخامنشیان نبود، اما در به کار بردن مصالح دیگر و بدعت در ساختن طاق‌های هلالی و گنبدها، گامی فراتر از هخامنشیان نهادند (انصاری، ۱۳۵۰: ۱۲۳). تزیینات نیز در معماری ساسانی با سنت‌های ریشه‌دار کهن آمیخته است، طاق نماها و طاقچه‌های کم عمق که چند برش خورده‌اند، در نمای دیوارها، طاقچه‌های عمیق که در جداره دیوارهای داخلی با نقوش ساده یا گیاهی تزیین شده‌اند از گذشته در فن معماری شرق باستان وجود داشته و در معماری اسلامی نیز حفظ شده است (خسروزاده، ۱۳۷۷: ۳۸). بیشتر تزیینات بناهای ساسانی گچ‌بری و گچ‌کاری است و روی دیوارهایی که با قلوه سنگ ساخته می‌شد را می‌پوشانیدند. افزون بر آن، از گچ پلاک‌های قالبی و کنده‌کاری شده می‌ساختند که در تزیین بناهای سلطنتی کاربرد داشته است. تعداد زیادی از این پلاک‌ها از کاخ‌های متعدد از جمله بیشاپور به دست آمده است (زمانی، ۱۳۹۰: ۱۱۸). گچ‌بری‌های متنوع اعم از گل و گیاه، نقوش هندسی و انسانی با یک نوع رنگ اخرائی نقاشی شده است که می‌توان نمونه‌های آن را در بیشاپور مشاهده کرد (سرافراز، ۱۳۷۱: ۵۲). از تزیینات دیگر در بناهای ساسانی موزاییک‌های رنگی هستند، نقش‌مایه‌های انسانی، هندسی، گیاهی و حیوانی‌ست، نقوش انسانی بیشتر زن‌های درباری، نوازندگان، رقاصه‌ها و زنان گل به دست و تصاویر زنان و مردان دیگر را نشان می‌دهد. این موزاییک‌ها زنانی را نشان می‌دهند که در حال رقص، ایستاده یا بافتن تاج گل یا در حال نواختن چنگ هستند (واندنبگ، ۱۳۶۸: ۵۵؛ بوسالی و شرآتو، ۱۳۸۳: ۸۲). نقوش برجسته تزیینی بر روی سنگ، از دیگر تزیینات مهم در بناهای ساسانی بوده است. برجستگی‌ها و

حجاری‌های سنگی در واقع یک اثر هنری محسوب می‌شوند و این حجاری‌ها حرکت و پویایی را به نمایش می‌گذارند (خسروزاده، ۱۳۷۷: ۳۹).

۲. تاریخچه شهر و شهرسازی در ایران دوره ساسانی

شهرها در تاریخ فرهنگ و تمدن بشری جایگاه ممتازی دارند. شهر را می‌توان پایگاهی امن برای ادامه حیات و مرکزی برای انجام امور زندگی انسان دانست. پیشینه شهر، شهرسازی و شهرنشینی در ایران به هزاره پنجم پیش از میلاد می‌رسد (کیانی، ۱۳۶۵: ۱). در دوره‌های بعد شهر و شهرسازی ادامه داشته و آثار و اطلاعاتی کم و بیش از آنها باقی مانده است. از آثاری مانند کارنامه اردشیر پاپکان و نامه تنسر می‌توان به چگونگی جو مدنی، اداری و اجتماعی شهرهای کهن ایران دست یافت (کیانی، ۱۳۶۶: ۲؛ پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۱۶-۲۱۷). شهرها مکان تلاقی دو رشته از پدیده‌ها یا افکار هستند، آنگاه که حکومت و مرکز حکومتی محل جمع آوری، نگه‌داری و رشد ثروت مالی و نیروی نظامی و تولیدی است، دارای اندیشه‌های این جهانی می‌شود. و زمانی که مرکز فرهنگی و نیروهای فکری و اندیشه‌های الهی و ارزش‌های معنوی می‌گردد، موجودیتی آن جهانی پیدا می‌کند. این دو گرایش کمک می‌کند تا بتوان شهرهای ایران باستان را ارزیابی کرد. شهر و جامعه شهری در ایران پیش از اسلام جامعه‌ای طبقاتی شناخته شده که کالبد شهر نیز مؤید این نکته است. هر یک از فضاهای محصور شهری مثل کهندژ، شارستان و ربض به مثابه نمادی به مفهوم بسته بودن هر یک از اینها به روی فضای بعدی شناخته می‌شود. شهرهای ایران باستان دو ویژگی اساسی یعنی سازمان یافتگی و گشودگی نسبی داشتند که هر دوی این ویژگی‌ها مستقیماً بر چهره شهر و بر ترکیب آن تأثیرگذار بوده است. شهرهای ایران از سه قسمت ساخته می‌شد که کهندژ از ارتفاعی بیشتر برخوردار بود که هم به موضع جغرافیای آن مربوط می‌شد و هم زاده نیاز به دفاع و حفاظت بود، عظمت کهندژ بی‌ارتباط با خواستگاه حاکمان و مدیران شهری نبوده است (کیانی، ۱۳۶۶: ۵-۷). در تعریف شهر یک سری معیار و ضوابط بیان می‌شود که برخی از این معیارها در یک شهر ساسانی شامل مرکز قدرت یعنی کاخ و مجموعه اداری، مراکز دینی و علمی شامل آتشکده‌ها و معابد کرسی قضاوت، مرکز اقتصادی تجاری، برج و بارو و تشکیلات سپاه می‌شود و در واقع جنبه‌های سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. شهر ساسانی مکان اصلی استقرار طبقات برتر اجتماعی بود و شاه و درباریان وی در ارگ یا کاخ یعنی در قلب شهر و در بلندترین نقطه آن شهر سکونت داشتند و پس از درباریان در طبقات شهری خاندان‌های قدرتمند، موبدان، جنگاوران، پیشه‌وران، بازرگانان و صاحبان حرف بودند. در مجموع شهر ایرانی

مرکز سیاسی-اعتقادی یک قلمرو در نظامی بود که بر همه چیز تسلط داشت (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۶۸). در تاریخ کشورهای جهان فرمانروایان هیچ کشوری به اندازه ساسانیان به شهرسازی دلبستگی نداشتند و می‌توان گفت تقریباً به نام هر یک از پادشاهان شهری وجود داشته است، نام اغلب شهرهای ساسانی در روایات قرون اولیه اسلامی ثبت شده‌اند. *شهرستان‌های ایران*، یا *شهرستان‌های ایرانشهر*، رساله کوچکی در جغرافیای ایران زمین به زبان پهلوی و شامل ۸۸۰ کلمه که مطالب این رساله درباره تاریخ بنای شهرهای ایران و موقعیت هر یک از آنها است. آخرین شهری که در این کتاب یاد شده، بغداد به امر منصور دوانیقی، دومین خلیفه عباسی احداث گردید. این رساله شامل اسم و شرح ساختن تعدادی از شهرهای بزرگ به دست فرمانروایان ایران در دوران قدیم است (خسروزاده، ۱۳۷۷: ۴۵). آگاهی از شهرها و زندگی شهرنشینی ساسانیان اندک است، منابع اطلاعاتی در این زمینه روایات تاریخی و آثار باستان‌شناسی هستند. اهمیت، اعتبار و تعداد شهرهای ایران در دوره پارتی و ساسانی تنها نتیجه نفوذ فرهنگ شهرنشینی یونانی نیست بلکه یک برخورد و نزاع توسعه‌طلبی جهانی بوده که تا پایان سلطنت شاپور دوم نیز ادامه داشته است (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۷۶). در دوره ساسانیان نهضت آنها با ایجاد یک شهر آغاز می‌شد شهر «اردشیر خوره»، «رام اردشیر» که موجب خشم و نارضایتی اردوان شاه اشکانی (۲۲۴-۲۱۳ م) می‌شود. ساخت شهر در ابتدای امر برای ساسانیان نشانه ترمرد و یا نافرمانی از حکومت اشکانی بوده است، چنانکه طبری در کتاب خود تاریخ طبری اشاره می‌کند که اردوان به اردشیر تذکر می‌دهد که اگر تو را به حال خودت بگذاریم شهری بزرگ بنا می‌کنی، که گویا ساخت شهر در اختیار پادشاه بوده (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۸۳)، چرا که امکانات، هزینه و نیرو در اختیار پادشاه بوده است. نام‌گذاری شهرها نیز در راستای سیاست‌های پادشاهان بوده است. در نام شهرها از واژه ایران و ایران خوره یا خوره استفاده می‌شده است در دوره ساسانیان ساخت و تکمیل شهرها از اهمیت بسیاری برخوردار بود. پادشاهان ساسانی همچون اردشیر (۲۲۴ م)، شاپور اول (۲۴۲ م)، شاپور دوم (۳۰۹ م)، خسرو انوشیروان (۵۳۲ م)، بیش از دیگران به ساخت شهر و زندگی شهرنشینی توجه داشته‌اند. ساخت شهر در این دوره به قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شاه بستگی داشت و پادشاهانی که شرایط مساعدی داشتند در این اقدام کوتاهی نکردند. در مورد عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرها می‌توان گفت شهرها به دوگونه روستا-شهر و شهرهای تازه بنیاد تقسیم می‌شوند که دسته اول از رشد برخی روستاها با شرایط محیط طبیعی، منابع آب، زمین، چراگاه و با افزایش جمعیت شکل می‌گیرند. شهرهای تازه بنیاد عبارت است از حضور یک سازمان سیاسی به نام حکومت یا دولت که نقش سازمان‌دهی، اداره جامعه، تهیه قوانین، برقراری نظم و امنیت، حفاظت شهرها و ایجاد استحکامات، حمایت از فعالیت‌های بازرگانی

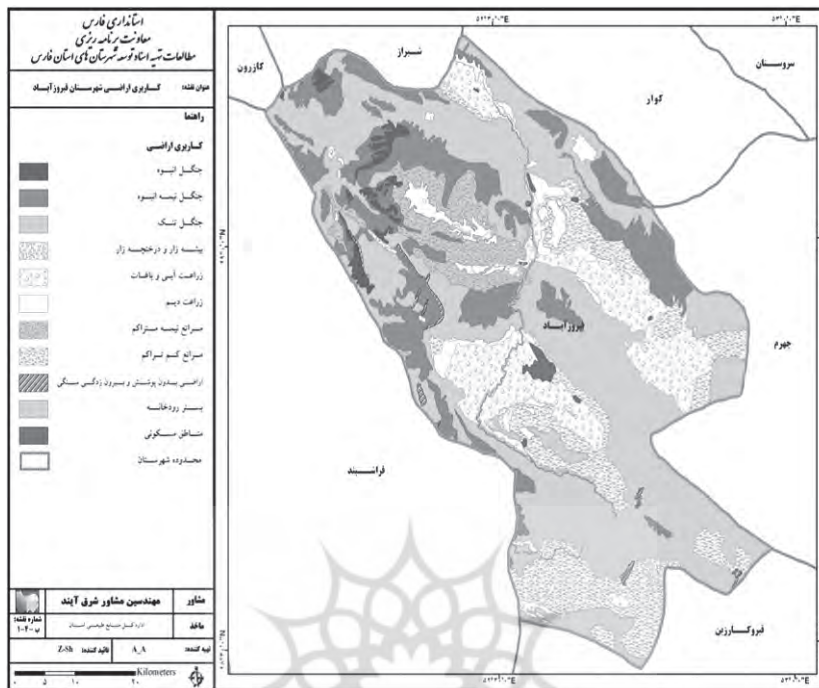
را در آن مکان بر عهده داشته است (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۶۴). تحکیم موقعیت ساسانیان در دوران اردشیر، فرزندش شاپور و دیگر پادشاهان قدرتمند ساسانی با احداث و گسترش شهرها ارتباط داشت. بعضی از شهرها با اندیشه توسعه اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و برخی با دیدگاه نظامی و سوق الجیشی ساخته یا بازسازی می شدند. جنگ‌هایی که ساسانیان انجام می دادند و غنایم جنگی آنها موجب رونق اقتصادی می گردید و در توسعه و احداث شهرها از این منبع درآمد و اسیران بهره گرفته می شد. بنابراین، هر یک از عوامل تجارت، بازرگانی، مذهب و باورهای دینی، عامل نظامی، دفاعی و حکومت در ایجاد شهرها در دوره ساسانی نقش بسزایی داشتند (خسروزاده، ۱۳۷۷: ۶۱).

شهرهای ساسانی استان فارس بر اساس شکل هندسی، نوع معماری و شهرسازی دسته بندی شده است که شهرهای اردشیرخوره و دارابگرد به عنوان شهرهای مدور، و شهر بیشاپور به عنوان شهر مستطیل شکل یا دارای طرح هیپودام و شهر استخر به عنوان شهر نامنظم معرفی و بررسی شده است.

۳. شهرهای مدور دوره ساسانی

۱.۳. اردشیرخوره

گفته می شود نزدیک به ۷۰ چهارطاقی ساسانی در مرزهای جغرافیایی امروز ایران شناسایی شده است که بیش از یک سوم این آثار در استان فارس امروزی قرار دارد که در روزگار ساسانی ایالت پارس را شامل می شده است. در تقسیم بندی شهرستان‌های ایرانشهر، ایالت پارس در کوست نیمروز قرار داشته است که شامل شهرستان‌های استخر، دارابگرد، بیشاپور، گور اردشیرخوره می شده است (دریایی، ۱۳۸۸: ۴۰). بنیان شهر اردشیرخوره را اردشیر پاپکان در آغاز حکومتش گذاشت (طبری، ۱۳۷۵: ۱۰۹). پهنه بررسی این شهر، بخش غربی و جنوب غربی استان فارس را در بر می گیرد که از جنوب شهر کازرون از منطقه دادین آغاز و در مسیر جنوب شهرهای بالاده، فراشبند، دهرم، فیروزآباد و آبادی‌های اطرافش را شامل می شود. این منطقه در شمال از موقعیت جغرافیایی با طول ۵۱،۵۲،۳۹ و عرض ۲۹،۲۰،۱۳ آغاز، و از جنوب در موقعیت جغرافیایی با طول ۵۲،۴۶،۲۷ و عرض ۲۸،۳۸،۴۱ خاتمه می یابد. منطقه مورد نظر را می توان مرز جغرافیایی همان شهر اردشیرخوره در دوره ساسانی دانست که در شمال به شهر بیشاپور ختم می شده است و شرق آن شهر دارابگرد در همسایگی اش قرار داشته است. این پهنه، محدوده‌ای دوزنقه‌ای شکل در ابعاد ۱۲۰ در ۱۰۰ کیلومتر را شامل می شده است (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱. نقشه موقعیت شهرستان فیروزآباد در نقشه ایران (آرشیو استاندارد فارسی)

اردشیرخوره یا گور، بنا بر گفته برخی مورخان اسلامی نخستین شهر ساسانی است که پیش از غلبه اردشیر بر اردوان پنجم ساخته شده است و طبری در مورد این اقدام اردشیر و واکنش اردوان می‌نویسد که اردوان نامه فرستاد به وی که «... چه کسی بتو اجازه داد که تاج بر سر نهی و ولایت بگیری و پادشاهان و کسان به طاعت آری؟ چه کسی بتو گفت که در بیابان شهری بنیاد کنی، مقصود گور بود اگر اجازه بنیان شهر بتو دهیم باید در بیابانی بسازی که ده فرسخ دراز باشد و نام آن رارام اردشیر کنی...» (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۸۳). اصطخری نیز در مورد این شهر می‌گوید: اردشیرخوره را اردشیر بنا کرد و چهار دروازه برای آن قرار داد در سمت غرب دروازه بهرام در سمت شرق دروازه مهر در سمت راست دروازه اردشیر و در سمت چپ دروازه هرمز و «... در میان شهر نمایی است چون دکانی آن را طربال گویند و آن را در پارسی ایوان و کیاخوره بدانند...» و اردشیر آن را ساخته بود تا بر اطراف نظارت داشته باشد که از گچ و سنگ ساخته شده بود (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۱۰-۱۱۱). اردشیرخوره یا گور در زمان عضدالدوله دیلمی نام آن به فیروزآباد تغییر یافت (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۰۴). اردشیر زمانی که هنوز در داراب بوده این شهر را بنا می‌کند و صحت این روایت را

وجود قلعه دختر در میان کوه‌های مرتفع و صعب‌العبور که بر معبر اصلی مسلط بوده تأیید می‌کند. این شهر و نقشه آن در دوره‌های بعد در ساخت شهرهای دارابگرد و همچنین به صورت بسیار قوی در ساخت شهر مد نظر خلیفه منصور عباسی بوده است (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۸۱). این مسیر یک راه ایده آل برای دفاع و لشکرکشی پیروزمندانه اردشیر بوده است.



تصویر شماره ۲. نقشه موقعیت جغرافیایی استان فارس و شهر اردشیرخوره، فیروزآباد

نقشه دایره‌ای شکل اردشیرخوره (تصویر شماره ۳) از فرهنگ پارتی اقتباس شده که تا آغاز دوره ساسانی هنوز وجود داشته است (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۸۰).



تصویر شماره ۳. نمای دایره‌ای شکل اردشیرخوره (همان).



شکل این شهر به دلیل مدور بودنش مورد توجه بوده و محاسبات دقیق ریاضی آن باعث شگفتی شده است و آن را از سایر شهرهای مدور دیگر مانند دارابگرد متمایز می‌کند. شهر از یک دیوار پشت بند، خندقی به عرض ۵۵ متر و یک حصار خشتی با چهار دروازه منظم تشکیل شده است. قطر شهر حدوداً به ۲ کیلومتر می‌رسد، مانند یک چرخ پره‌دار با ۱۰ محور خیابانی به ۲۰ ناحیه بزرگ و متشابه تقسیم گردیده است. هنوز دروازه‌های ذکر شده به صورت شکسته در حصار مشاهده می‌شوند. خیابان‌ها به کناره‌های مرکز شهر منتهی می‌شوند (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۷۸).

۲.۳. منار یا طربال شهر گور

یک برج عظیم چهارگوشه به اندازه تقریبی ۲۰ متر و ارتفاع ۴۰ متر در مرکز شهر و در نقطه مشترک تمام خطوط قرار دارد. ابن حوقل و اصطخری به این برج طربال می‌گویند (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۱۰؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۸۷). درباره کاربرد این طربال ابن بلخی آورده: آب را از چشمه‌ای که از یک فرسنگی کوه مقابل شهر گور بوده با تنبوشه‌هایی به شهر انتقال می‌دادند و سپس آن را از میان تهی طربال به سطح آن منتقل می‌کردند. در سطح طربال حوضچه‌ای قرار داشته که آب در آن فواره می‌کرده و سپس با لوله‌های سفالی دیگر فرود می‌آمده و در میان نهرهای شهر پخش می‌شد (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۳۸). بر روی این طربال یا منار گنبدی قرار داشته که به گنبد گیرمان معروف است. افزون بر کارکرد طربال برای آب و پخش آن، جایگاهی نیایشی را برای آن قائل هستند و این را دور از جایگاه و خاستگاه اردشیر نمی‌دانند و با استناد به بودن معبد آناهیتا در شهر استخر و بعداً بیشاپور استنباط می‌شود که این شهر نیز می‌تواند چنین نیایشگاهی برای آناهیتا داشته باشد (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۰۶). از سوی دیگر با توجه به آنکه واژه طربال در زبان عربی به معنای مناره بلند و عبادتگاه است؛ نمی‌توان این مکان را صرفاً آب انبار شهر نامید، زیرا افزون بر عملکردی فوق، محلی برای ستایش ناهید، فرشته آب نیز به شمار می‌رفت. ساخت بنایی با چنین عملکردی در زمان اردشیر اول چندان دور از انتظار نیست، زیرا وی در خانواده‌ای ولادت یافت که بر اساس متون تاریخی و پهلوی ساسانی پدران وی تولیت معبد آناهیتا را در شهر استخر عهده‌دار بودند. بنابراین، طبیعی است که اردشیر پس از به شاهی رسیدن برای بزرگداشت و ارجمندی اردویسور آناهیتا، ایزد بانوی محبوب آب، نیایشگاهی رفیع و شکیل با جریان آب برای وی بسازد. همان کاری که پس از وی شاپور، پسرش در شهر بیشاپور انجام داد و برای ناهید شکل دیگری از معبد بر پا داشت که البته این به دلیل نوع جریان آب در بیشاپور بوده است.

۳.۳. تخت‌نشین

همچنین یک چهار طاقی بزرگ با پلان مربع از سنگ‌های تراش‌دار مکعبی در دایره مرکزی اردشیرخوره قرار دارد که به تخت‌نشین معروف است.

فرصت‌الدوله اشاره به وجود عمارت مربعی می‌کند که بر روی چهارپایه عظیم آن سقفی استوار بوده است. در نزدیکی این عمارت حوضی قرار داشته که بدنه حوض را با ساروج ساخته بودند (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۱۳). لویی واندنبرگ این بنا را یک چهارطاقی دانسته که بر روی صفحه‌ای برپا شده بود و آتش مقدس را در آن روشن می‌کردند و فقط روحانیون حق نزدیک شدن به آن را داشتند (واندنبرگ، ۱۳۶۸: ۵۲).

هوف ضمن توصیف این بنا آن را به عنوان یک آتشکده معرفی می‌کند: شکل چهارگوشی شامل یک اتاق مرکزی و دهانه‌هایی در هر سوی آن و این از ویژگی‌های بناهای ساسانی است که می‌باید آن را گنبدی بر روی اتاق مرکزی و طاق آهنگ بر روی دهانه‌ها تصور نمود. در خارج از این بنای مکعب شکل، چهار قسمت مکعب شکل الحاقی اضافه گردیده که شامل اتاق‌ها، ایوان‌ها و پیشخوان‌هایی است (هوف، ۱۳۶۵: ۷۹-۸۱). افزون بر آن، در محدوده داخلی شهر تعدادی خرابه به صورت تپه وجود دارند. بنابراین، می‌توان تصور کرد که در داخل دایره مرکزی شهر فقط ابنیه مذهبی، اداری، تشریفاتی و دولتی قرار داشته‌اند، در حالی که در دایره خارجی و بزرگتر شهر ابنیه و ساکنان شهر بوده است. تصور می‌شود که قسمت شرقی شهر بازاری برای فعالیت‌های تجاری بوده است.

۴.۳. شهر دارابگرد

شهرستان داراب در جنوب ایران و جنوب شرقی استان فارس در موقعیت جغرافیایی ۵۵ و ۵۴ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی ۲۷ و ۲۸ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های نیریز و استهبان از غرب به شهرستان فسا، از جنوب به شهرستان‌های لار و زرین‌دشت و از شرق به استان هرمزگان محدود می‌گردد. وسعت شهرستان داراب ۶۵۴۱ کیلومتر مربع است که معادل ۵/۲۷ درصد مساحت کل استان فارس می‌باشد. ارتفاع این شهرستان از سطح دریا ۱۱۸۸ متر است. از نظر موقعیت جغرافیای طبیعی شهرستان داراب در انتهای گسترده‌گی رشته کوه‌های زاگرس جنوبی در داخل فلات ایران قرار گرفته است. این رشته کوه‌ها در جهت شمال‌غربی به جنوب شرقی از ناحیه داراب عبور نموده، سپس به کوه‌های سیرجان و مکران می‌پیوندند. مهم‌ترین ارتفاعات این رشته کوه‌ها عبارتند از: ۱. رشته کوه تودج که از تنگ

کرم فسا شروع شده و پس از عبور از شمال داراب و ارتفاعات فورگ به کوه‌های سیرجان منتهی می‌گردد. بلندترین قله این رشته کوه‌ها با نام «برفدان» با ۳۱۵۰ متر ارتفاع در شمال شرقی داراب قرار گرفته است (بیات، ۱۳۷۳: ۳۱۶).

۲. کوه «بیزدان» از جنوب‌غربی داراب شروع و پس از عبور از جنوب فورگ به کوه‌های سیرجان ختم می‌گردد (بیات، ۱۳۷۳: ۳۱۶).

۳. کوه داراب که در شمال این شهر قرار گرفته است.

اصطخری داراب را یکی از پنج ولایت پارس در دوره ساسانی برشمرده که علی‌رغم ویرانی بناها و تأسیسات داخلی آن، برج و باروی شهر همچنان پا بر جاست (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۰۱). این شهر در فرهنگ لغت‌ها با نام خاص به کار رفته و به عنوان مکانی دارای آب، جایگاه فراوان آب به کار رفته است. گفته می‌شود نام منطقه در آغاز دارابگرد یا داراب‌جرد بوده است که در اساطیر گفته می‌شود دارای اکبر یکی از پادشاهان سلسله کیانی ایران که در فرهنگ پهلوی و اسلامی از او با نام داریوش بزرگ یاد شده، آن را بنا کرده است (فسایی، ۱۳۶۷: ۳۰۷). اصطخری ساخت داراب را به دارا نسبت می‌دهد (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۱۰). در مورد پسوند گرد نیز معنای شهر ذکر گردیده است. برخی شهرها پیش از به قدرت رسیدن ساسانیان نیز وجود داشته‌اند که مجدداً در این دوره احیا شده یا تکمیل گردیده‌اند. بر مبنای مطالعات باستان‌شناسی دشت داراب و حومه آن یکی از زیستگاه‌های انسانی در دوران پیش از تاریخ بوده است. آثار تمدن‌های کهن متعلق به هزاره‌های ششم و پنجم پیش از میلاد (عصر سفال نخودی و مقارن با تمدن‌های سیلک در کاشان، شهداد کرمان، باکون تخت جمشید، تپه حصار دامغان و شهر سوخته سیستان) در حاشیه دشت داراب کشف شده است (سامی، ۱۳۵۴: ۲۷). اما این شهر بنا به دلایلی در زمره شهرهای ساسانی آورده می‌شود، چرا که دارابگرد کانون رشد و پرورش اردشیر بابکان بوده و تا زمان طغیان علیه حاکم اشکانی در آن شهر استقرار داشته است. دارابگرد بر ساخت شهر اردشیرخوره تأثیر بسیاری داشته است (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۸۰). در دوره حکومت ساسانیان نیز از شهرهای پررونق مذهبی-تجاری بوده و آتشکده‌ای در مجاورت آن قرار داشته و انواع بافت قالی، مومیایی، حصیر و نمک از آن صادر می‌گردیده است. اهمیت این منطقه را نقش برجسته‌ای در نزدیکی شهر در بالای یک چشمه که پیروزی شاپور بر والریانوس و گردیانوس را به تصویر کشیده، بیان می‌کند (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۹۲). اگرچه در رابطه با انگیزه ساخت شهر دارابگرد متون تاریخی اطلاعات چندانی را در اختیار پژوهشگران قرار نمی‌دهند، لیکن می‌توان حدس زد که ساخت شهر، ریشه‌های مذهبی داشته است، چرا که از این

اشارات چنین بر می آید که هدف از ساخت این شهر، تأمین محل اقامت زوار یک آتشکده بر جای مانده از ادوار پیشین بوده است (رفیعی، ۱۳۸۴: ۱۸۲).

دارابگرد شهری مدور است که محیط آن به ۶ کیلومتر می رسد. پیرامون شهر خندقی عمیق و عریض دارد که با وجود گذشت زمان ابعاد آن را می توان دریافت، پهنای خندق به طور متوسط ۵۰ متر و عمق آن بیش از ۶ متر بوده است (تصویر شماره ۴). اصطخری در توصیف این خندق می گوید: «دارابگرد خندقی دارد که به سبب چشمه های متعدد آب های فراوان در آن گرد می آید و در آن گیاهانی است که چون ستور و یا انسانی به آن داخل شود بر او می پیچد و او را از حرکت باز می دارد» (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۱۰). اصطخری به وجود ماهیان در این خندق نیز اشاره کرده است. جغرافیایان دیگرمثل ابن حوقل، جیهانی، مستوفی نیز به این خندق اشاره داشته اند (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۱۰؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۵). افزون بر خندق شهر دارابگرد، بارو و حصار نیز داشته است، حصاری با طول حدود ۶ کیلومتر و ارتفاع ۶ متر از گل و سنگ. عرض شالوده دیوار حدود ۱۰ متر و شکل آن مخروطی با سطوح نامساوی می باشد (کیانی، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

شهر دو دروازه اصلی و دو دروازه فرعی داشته و به نظر می رسد در دوره ساسانیان دروازه شمالی مدخل اصلی شهر بوده است، چرا که نسبت به سایر دروازه ها عریض تر و خیابان اصلی آن منتهی به



تصویر شماره ۴. شهر مدور دارابگرد با خندقی عمیق

ارگ حکومتی در مرکز شهر می شود (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۹۳). دو دروازه اصلی در جهات شرقی و غربی و دو دروازه دیگر در جهت شمال و جنوب قرار داشته اند. دروازه شرقی به نام دروازه خورشید در سمت راه آتشکده مشهور آذرخش و دروازه غربی از نظر تماس و ارتباط با خارج مهم تر بوده و در جهت راهی که به مناطق مرکزی پارس می رفته قرار داشته است (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۹۳).

هوف معتقد است که شهر دارابگرد بر اساس صحبت حمزه اصفهانی یک نقشه مثلثی داشته و سپس در دوران اسلامی شکل مذکور به حصار قطور مدور تبدیل شده است. نقشه این شهر با یک سیستم هندسی کامل، شکل گرفته و منظم مانند اردشیرخوره است (هوف، ۱۳۶۵: ۴۱۳).

در درون شهر دو قلعه کم ارتفاع وجود دارد که همانند گنبدهای بزرگی در میان شهر خودنمایی می کند و در بالای قلعه بزرگتر که مشهور به قلعه شاه نشین است، آثار ساختمانی بزرگی وجود دارد و به نظر می رسد محل سکونت حاکم یا ارگ بذ دارابگرد بوده است. در بالای قلعه شاه نشین آثار یک چاه آب نیز دیده می شود برای رسیدن به بالا ورود به ارگ از دامنه کوه، پلکانی به عرض یک و نیم متر از سنگ و ساروج ساخته شده که آثار آن هنوز دیده می شود (سعیدیان، ۱۳۸۳: ۴۱۷). از آثار قابل مشاهده شهر، شبکه آبرسانی آن است که به صورت کانال های ساخته شده از سنگ، آجر و ساروج به موازات خیابان های اصلی شمالی و غربی شهر به چشم می خورد و در برخی مناطق این کانال ها آثاری از پله دیده می شود (کریمیان و سیدین، ۱۳۸۹: ۷۶). بررسی ها به طور کلی نشان دهنده حیات این شهر در زمان اشکانیان و اوج توسعه رونق آن در زمان ساسانیان است.

۴. شهرهای مستطیل شکل یا دارای طرح هیپودام

ساخت شهرهای مدور پس از اردشیر ساسانی تا حدودی کنار رفته و طرح هیپودام ادامه یافت و از زمان شاپور اول معمول گردید. ساخت شهرهایی با چنین شکلی را در زمان هخامنشیان در تخت جمشید و دهانه غلامان می توان مشاهده کرد و شهرهای بیشاپور، جندی شاپور کرخه و... با این طرح ساخته شده اند که در ادامه به شهر بیشاپور در پارس پرداخته خواهد شد.

۱.۴. بیشاپور

بیشاپور محوطه ای باستانی در ۲۵ کیلومتری غرب کازرون در مقابل دهانه تنگ چوگان در استان فارس است. این شهر بر اساس متون ساسانی و اسلامی در زمان شاپور اول، ۲۷۲ م (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۰۵؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۱۰؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۶۳)، جانشین اردشیر در غرب اردشیرخوره و در

یک دشت نامنظم در یک محیط باز و قابل رفت و آمد، در مسیر استخر به خلیج فارس ساخته شده است (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۸۱).

خوره یا کوره شاپور کوچک‌ترین کوره ایالت پارس بود. مرکز این ولایت در زمان قدیم شهر شاپور و اصل این اسم بشاپور است (لسترنج، ۱۳۸۳: ۲۸۳). این شهر در زمان شاپور پر نعمت بوده و محصولاتش مانند نیشکر، زیتون و انگور در آن بسیار عمل می‌آمده و انواع گل و میوه در آن رشد می‌کرده است. قلعه آن «دنبلا» نام داشته و بارویش چهار دروازه داشته که عبارت بودند از دروازه هرمز، دروازه مهر، دروازه بهرام و دروازه شهر. مسجد جامع آن نیز در بیرون شهر بوده است (لسترنج، ۱۳۸۳: ۲۸۴). مقدسی نیز بشاپور را شهری با چهار دروازه که گرداگرد آن خندق است و نهری به دور قصبه می‌گردد، توصیف کرده و از دژ دنبلا نیز نام می‌برد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۵). آرتور کریستین سن نیز وجه تسمیه بشاپور را از «وه» یا «به» به معنی نیک دانسته و این «به شاپور» را به معنی شهر بهتر شاپور می‌داند (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۴۱۰). شاپور دستور ساخت این شهر را در سال ۲۶۶ م داد. چنانکه پیشتر نیز گفته شد، ثروت و قدرت پادشاهان در ساخت شهرها مؤثر بوده و شاپور پس از پیروزی‌های درخشان خود در برابر رومیان برتری خود را از طریق ساخت این شهر به نمایش گذاشت. جلگه بشاپور نیز دارای موقعیت خوب از لحاظ آب و هوایی و قرار داشتن بر سر راه مسیرهای ارتباطی بود. این شهر نشانه شکوه، عظمت، ثروت و اقتدار شاپور است (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۲۸-۱۲۹).

این شهر از لحاظ دفاعی موقعیت طبیعی مناسبی دارد، وجود کوه و رودخانه در اطراف آن یکی از مزیت‌های خوب آن به شمار می‌رود. این شهر مجلل‌ترین شهر در بین شهرهای ساسانی بوده است. شهرت این شهر نیز به دلیل وجود غاری با مجسمه بزرگتر از اندازه طبیعی شاپور اول و نقش برجسته‌های پادشاهان ساسانی است. این شهر براساس یک نقشه مستطیلی یعنی هیپودامی ساخته و به علت توپوگرافی آن فقط دو طرف آن با حصار مستقیم و خندقی در کنار آن و مابقی با رودخانه شاپور و کوه‌های اطراف محصور شده است (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۸۱؛ بوسالی و شرانو، ۱۳۸۳: ۴۱). سیستم نقشه شهر در داخل حصار از یک شبکه بندی با خیابان‌های موازی و عمودی تشکیل یافته، دو خیابان به وضوح محورهای اصلی صلیبی شکل را تشکیل می‌دهند. یک اثر معماری با دو ستون به یکدیگر چسبیده بدست آمده که طبق کتیبه آن که به خطوط پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی نوشته شده از طرف یک کارمند عالی رتبه به افتخار شاپور برپا شده است که افسای دبیر نامش در آن برده شده است. ارتفاع ستون‌ها ۹ متر و قطر آنها ۷۰ سانتی‌متر که بر روی آن ذکر شده است، در سال ۲۶۶ م، این بنا را افسای دبیر، اهل حران

به افتخار شهریار خود در بیشاپور بنا کرد (گیرشمن، ۱۳۸۶: ۳۸۷؛ مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۳۵). سرافراز معتقد است با توجه به اینکه این اثر در مسیر پل قدیمی شهر که بر روی رودخانه شاپور در زمان ساسانی ساخته شده بود قرار گرفته، می‌توان تصور کرد که جایگاه مذکور نخستین استراحت‌گاه شاه ساسانی در زمان ورود به شهر حکومتی بوده است (سرافراز، ۱۳۷۱: ۲۹). با توجه به کتیبه معلوم می‌شود، در این بنا پیکری از شاپور اول وجود داشته است (همان). گیرشمن می‌گوید بر روی یک پایه کوچک که در کنار ستون قرار گرفته جای آتشدان بوده است و ساخت چنین بنایی را برگرفته از سبک رومی اعلام می‌کند اما این بنا را در حالی که رومی معرفی می‌کند دارای مهر و نشان ایرانی نیز می‌داند (گیرشمن، ۱۳۸۶: ۳۸۸). قسمت شمال‌شرقی شهر یک کاربرد رسمی دیگر داشته و در اینجا ابنیه مجلل که قسمتی از آنها با سنگ مکعبی ساخته شده بدست آمده است. این بناها تزیینات بسیار با قطعات تزیینی، نقوش برجسته، موزاییک و غیره دارند، یکی از این بناها معبد آناهیتاست. در بین بناهای داخل و خارج حصار آثار یک مدرسه یا مسجد اسلامی دیده می‌شود. شباهت میان شهر بیشاپور با اردشیرخوره آن است که هر دو شهر با یک سیستم هندسی تنظیم شده‌اند که با محورهای اصلی صلیبی شکل مشخص می‌گردند. هر دو شهر یک منطقه کوچک برای ابنیه رسمی یا بناهای دولتی، مذهبی و یک منطقه بزرگ برای اسکان مردم داشته‌اند و سیستم در بیشاپور از مرکزی به سیستم گسترده تبدیل شده است. هوف می‌گوید: با قرار گرفتن ارگ در حاشیه شهر یک نقشه خیلی قدیمی مجدداً احیا شد، نقشه‌ای که در شهرهای شرق قدیم معمول بود (هوف، ۱۳۶۵: ۴۱۶).

در معماری و شهرسازی این مکان تحول چشم‌گیری مشاهده می‌شود، از مصالح مختلف معماری خشت سنگ، آجر، لاشه سنگ و سنگ‌های حجاری شده و تمام مهارت‌های فنی و ویژگی‌های هنری استفاده شده است (سرافراز، ۱۳۷۱: ۴۰). این شهر همانند شهر گور از تأسیسات دفاعی برخوردار بوده است که به تأثیر توپوگرافی در آن منطقه اشاره دارد. از طرف دیگر راه ورود و خروج به شهر از طریق دروازه‌ای تحت نظارت صورت می‌گرفته است. در ارتفاعات شمالی که مشرف بر شهر و ارگ سلطنتی است، دو دژ معروف به قلعه دختر و پسر نیز قرار دارند که وظیفه دیده‌بانی و حراست با این قلاع را به عهده داشته‌اند. امروزه تنها خرابه‌هایی از آنها باقی مانده است. برج و باروی بیشاپور نیز اهمیت دارد، مصالح این دیوارهای ضخیم و برج‌های نیم دایره‌ای آن از سنگ و ملاط گچ و قطر حصار شهر ۹ متر است. قطر هر یک از برج‌ها که به فاصله ۴۰ سانتیمتری یکدیگر قرار دارند، حدود ۷۳۰ سانتی‌متر است (سرافراز، ۱۳۷۱: ۴۴).

۵. شهرهای بدون شکل منظم

در شهرهای بدون شکل خاص هندسی، اساس طرح شهر را نوع زمینی تشکیل می‌دهد که شهر روی آن ساخته شده است. در واقع توپوگرافی برخی مناطق به گونه‌ای است که نمی‌توان در طراحی یک شهر شکل خاصی برای ساخت آن در نظر گرفت و تابع شرایط جغرافیای محل می‌باشند (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

۱.۵. استخر

عامل مذهب در پیدایش و شکل بخشیدن به شهرها از دیرباز اهمیت داشته است. پایه‌گذاری شهرها در کنار چشمه‌ها، دامنه کوه مقدس یا در محل درگذشت یک شخصیت ممتاز مذهبی یا سیاسی نیز از جمله عوامل مؤثر دیگر است. مسئله مذهب را به خصوص در مورد شهرهای باستان نباید نادیده گرفت، زیرا بنیان‌گذاری عمده شهرهای کهن به اعتبار امر مقدس و در پیوند با آیین مورد قبول جامعه بوده است. در دوره ساسانی نیز مهم‌ترین عامل ایجاد شهرها و آبادی‌ها عامل آیین و اندیشه مرسوم در آن دوران است. اردشیر بابکان از تبار روحانیون، بانی حکومت ساسانی بود که بر دو محور دین رسمی و دولت مرکزی ایجاد شد. این شهر از جمله شهرهایی است که نخست، این شهر پیش از تأسیس حکومت ساسانیان شکل گرفته است و دوم، در دسته شهرهای بدون شکل منظم قرار دارد. این شهر از جمله مکان‌های مهم در زمان‌های باستان و پرجمعیت‌ترین شهر پارس بوده است؛ از زمان هخامنشیان تا چند سده پس از حضور اسلام این شهر دایره و برقرار بوده است. استخر از مراکز مهم سه حکومت هخامنشی، اشکانی و ساسانی به شمار می‌رفته و جایگاه موبدان، دبیران و دستوران دین زرتشتی بوده است. جد اردشیر نیز در معبد آناهیتای استخر تولیت معبد را در دست داشته است (سامی، ۱۳۵۴: ۲؛ کریستین‌سن، ۱۳۸۸: ۵۹؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۱۰). در زمان هخامنشیان این شهر از رونق و آبادی بسیار برخوردار بوده، محل بازرگانی و داد و ستد نیز در آنجا قرار داشته است. رودخانه سیوند (پلوار) این نواحی را سیراب و از شمال غربی شهر استخر عبور می‌کرده است. در کتیبه شاپور، در کعبه زرتشت نوشته شده نخستین بار در کتیبه شاپور سکانشاه نام استخر خوانده شد (سامی، ۱۳۵۴: ۳).

خانواده اردشیر بابکان در شهر استخر علیه حاکم محلی آن کودتا کردند و خود اردشیر در این شهر تاج شاهی بر سر نهاد (کریستین‌سن، ۱۳۸۸: ۶۱). اهمیت استخر در زمان ساسانیان چنان بود که تعدادی از شاهان این سلسله در این شهر تاج‌گذاری کردند. برخی از مراسم مهم ملی-مذهبی



در آن برگزار می‌گردید. این شهر کانون سیاست، مقر روحانیان و موبدان بود. این شهر تا اواخر حکومت ساسانیان اهمیت خود را حفظ نمود، چنانکه یزدگرد سوم نیز در این شهر تاج‌گذاری کرد. استخر وارث شهر قدیم پارسه محسوب می‌شد و ویرانه‌های آن حکایت از مجد و عظمت آن شهر دارد. کریستین سن معتقد است که هر چند تاج‌گذاری شاهان ساسانی در دوران بعد در تیسفون صورت می‌گرفت اما مراسم و برخی آداب دیگر در شهرهای ایالت پارس مانند استخر همچنان ادامه داشت و از اهمیت این منطقه به دلیل نقش برجسته‌های اطراف آن می‌توان آگاه شد (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۶۱-۶۴). سه دوره برای شهر استخر تا پیش از ساسانیان معرفی شده است: دوره نخست زمان جانشینان اسکندر و سلوکیان که چند تک ستون ساده با سبک یونانی از این دوره باقی مانده است. دوره دوم، دوره‌ای است که پارسیان از سلوکیان مستقل شده‌اند. دوره سوم، دوره دست‌نشانده‌گی اشکانیان بر پارس است (سامی، ۱۳۵۴: ۴). تاج‌گذاری اردشیر، شاپور اول و نرسی در پرستشگاه آناهیتای استخر صورت گرفت. شاپور دوم سرهای عیسوی را نیز در همین نیایشگاه آویزان و یزدگرد سوم نیز در همین نیایشگاه تاج‌گذاری نمود. استخر در آغاز شاهنشاهی ساسانی به بهترین پایه و اهمیت خود رسید و علاقه شاهان ساسانی به این شهر قطع نگردید اما به مرور زمان با درگیرهایی که آنها در غرب با آن مواجه بودند و نواحی دیگر استخر نمی‌توانست به عنوان پایتخت موقعیت خود را حفظ بنماید. ساسانیان در پارس که زادگاه و خواستگاه آنها بود کاخ‌ها، آتشگاه‌ها، پرستشگاه‌ها و دژهایی را ایجاد نمودند. در دوران ساسانیان نیز گاه و بیگاه پادشاهان با اهداف متفاوت مسائلی را در مورد این شهر به خصوص پرستشگاه آناهیتا مطرح می‌کردند یا مانند یزدگرد در دژهایی از استخر پناه می‌گرفتند (سامی، ۱۳۵۴: ۴).

استخر حصار، برج استوار و محکمی داشته است که از طریق چند دروازه به آن وارد می‌شدند. آثار سنگی یکی از دروازه‌ها در سمت راست جاده قدیم شیراز- اصفهان همچنان باقی است. این شهر خندقی عمیق و پر آب نیز داشته است. مصالح ساختمانی استخر شامل گل، گچ، خشت و سنگ بوده است. رود پلوار نیز چنانکه اشاره شد در حاصلخیزی و آبادانی پیرامون استخر مؤثر بوده است. وجود این رودخانه در نزدیکی شهر و منشأ حیات شهر شدن این رود سبب تقدسی می‌گردیده که در مجاورت آن معبد آناهیتا را ساخته بودند (سامی، ۱۳۵۴: ۲). نباید نقش مهم پرستشگاه استخر را در حکومت ساسانیان از نظر دور داشت. کرتیر با در دست داشتن زمام آن ارزشی به آن داد که با پس‌گیری این مقام در دوره بهرام دوم خود را نشان داد.

نتیجه‌گیری

در دوره ساسانی ساخت شهرها اهمیت بسیار داشت و به هر پادشاه شهرهایی را نسبت داده‌اند. شکل شهرها در این دوره به سه شیوه مدور، مستطیلی و شهرهای با اشکال نامنظم بوده است. اردشیر فیروزآباد را به دلیل آنکه موقعیت استراتژیک و نظامی داشت انتخاب کرد و برای مقابله با ارتش اردوان پنجم ساخت. اردشیر برای نمایش قدرت خود در شهرسازی و آبادانی ایران اقدام به ساختن شهری با شکوه و پلانی مدور به سبک شهرهای پارتی نمود که طرح مدور شهر، شبکه‌بندی و تأسیسات و بناهای مختلف شهری، جایگاه خاص و چگونگی هر یک از بناها متأثر از اندیشه‌های مذهبی و نظامی اردشیر و جاه‌طلبی و نمایش قدرت او را دارد که بر اساس آن یک سیستم اجتماعی جدید متولد گردید.

شهر دایره‌ای گور در زمینی هموار و کاملاً آزاد، هندسه‌ای متقارن و منظم دارد در صورتی که بیشاپور ترکیبی از هندسه منظم در کنار عوارض طبیعی همچون کوه‌ها و رودخانه‌هاست. شهر گور را می‌توان با فرم کاملاً هندسی و بی‌نیاز به عوارض طبیعی تعریف کرد؛ چرا که در یک دشت هموار ساخته شده و فرم هندسی آن دایره‌ای کامل با قطر دو کیلومتر است. این شهر برای تأمین امنیت کمترین بهره‌برداری را از عوارض طبیعی داشته، بنابراین، خندقی به دور شهر حفر شده که شکلی متقارن یعنی دایره‌ای دارد.

شهر استخر نیز از عوارض طبیعی برای محافظت از خود بهره جسته است. بنابراین، هندسه کلی شهر را تحت تأثیر فرم نامنظم آنها قرار داده است. در تعیین حدود شهر بیشاپور عوارض طبیعی در آن دخالت دارد و رودخانه بخشی از خطوط محیط سطح اشتغال شهر را تعیین کرده است و پیوستگی محکمی با عوارض طبیعی مانند کوه و رودخانه دارد که ترسیم خطوط طراحی شهر را هدایت کرده‌اند.

بیشتر شهرهای مدور ساسانی در این دوره ساخته شده‌اند که طرح آنها برگرفته از شهرسازی دوره پارتیان بوده است. در این شهرها موقعیت دفاعی بهتر و آسان‌تری داشته‌اند که نمونه این شهرسازی را در دارابگر و اردشیرخوره پارس می‌توان مشاهده کرد. شاپور اول پسر و جانشین اردشیر نیز راه پدر را ادامه داد، او دستور ساخت شهر بیشاپور را صادر کرد، تا پیش از وی برخی از شهرها شکل دایره‌ای داشتند. شاپور بیشتر تحت تأثیر شهرسازی روم قرار داشت که به آن طرح چهارگوش یا هیپودام می‌گفتند. شهر استخر نیز نمونه یک شهر با طرح نامنظم است. بنابراین، در شکل‌گیری شهرهای ساسانی عوامل دفاعی، نظامی، مذهبی و باورهای اعتقادی،

سیاسی، اداری، تجاری و موقعیت جغرافیایی اهمیت داشتند و بسیاری از شهرهای ساسانی در کتب مورخان دوره اسلامی نیز آمده‌اند. در شهرهای ساسانی وجود طبقات اجتماعی و رعایت این اصل سبب گردید تا از آمیختگی طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی جلوگیری شود. تحولات معماری متأثر از تغییر عوامل فرهنگی و دانش فنی که به مرور اتفاق افتاده و دقیقاً منطبق بر تغییرات سلسله‌های حکومتی نبوده است.

کتابنامه

- ابن بلخی. (۱۳۷۴). پارسانامه. به سعی و اهتمام گای لسترنج و رینولد نیکلسون. تهران: دارالفنون.
- ابن حوقل، محمد بن علی. (۱۳۴۵). *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان فارس.
- آرشیو منابع دیداری و شنیداری استانداری فارس. معاونت برنامه‌ریزی مطالعات تهیه اسناد توسعه شهرستان‌های استان فارس.
- اصطخری، ابراهیم. (۱۳۴۷). *مسالک و ممالک*. تصحیح احسان یارشاطر و ایرج افشار. تهران: انتشارات زیباسازان.
- انصاری، محمود. (۱۳۵۰). *سیری در معماری ایران*. تهران: هنر سرای عالی.
- بهزادی، مرضیه و دیگران. (۱۳۹۴). *بازتاب شهرسازی ساسانیان در متن‌های فارسی میانه*. یزد: همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران.
- بوسالی، ماریو؛ شراتو، امبرتو. (۱۳۸۳). *هنر پارتی و ساسانی*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- بیات، عزیزاله. (۱۳۷۳). *کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا. (۱۳۶۷). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- تقوی‌نژاد دیلمی، محمدرضا. (۱۳۶۳). *معماری - شهرسازی و شهرنشینی در گذر زمان*. تهران: انتشارات یساولی.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. (۱۳۶۸). *اشکال العالم*. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب. با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- خسروزاده، علیرضا. (۱۳۷۷). «شهرسازی دوره ساسانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- دریایی، تورج. (۱۳۸۸). *شهرستان‌های ایران‌شهر*. ترجمه شهرام جلیلیان. تهران: توس.
- رفیعی، حسن رضا. (۱۳۸۴). *پارس نیمی از بهشت*. شیراز: انتشارات تخت جمشید.

- زمانی، عباس. (۱۳۹۰). تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی. تهران: انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- سامی، علی. (۱۳۵۴). «ویرانه‌های شهر باستانی استخر». هنر و مردم. ش ۱۵۸. آذر. صص ۲-۱۲.
- سرفراز، علی‌اکبر. (۱۳۷۱). باستان‌شناسی و هنر ایران در دوره ساسانی. جزوه درس باستان‌شناسی در دوره کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۸۳). سرزمین و مردم ایران. چ ۲. تهران: انتشارات علم و زندگی.
- طبری، محمد جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. ج ۲. چ ۲. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- طهماسبی برنا، محمد. (۱۳۸۹). «شهرسازی دوره ساسانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- فرصت‌الدوله شیرازی، سید محمد نصیر. (۱۳۶۲). آثار العجم. به کوشش علی دهباشی. تهران: نشر فرهنگسرا.
- فسایی، حسن. (۱۳۶۷). پارس‌نامه. به کوشش منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۸). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: صدای معاصر.
- کریمیان، حسن؛ سیدین، ساسان. (۱۳۸۹). «دارابگرد در انتقال از ساسانیان به دوران اسلامی بر اساس مستندات باستان‌شناختی». باغ نظر. ش ۱۳. بهار. صص ۷۳-۸۸.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۶۵). نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۶۶). شهرهای ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۸۶). «ایران از آغاز تا اسلام». ترجمه محمد معین. تهران: شرکت علمی و فرهنگی.
- لسترنج، گای. (۱۳۸۳). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر. (۱۳۶۴). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). احسن تقاسیم فی المعرفة الاقالیم. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مهرآفرین، رضا. (۱۳۹۳). شهرهای ساسانی. تهران: انتشارات سمت.
- هوف، دیتریش. (۱۳۶۵). صرفاف، در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران. به کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: انتشارات ارشاد اسلامی.
- واندنبرگ، لوئی. (۱۳۶۸). باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.